

## سیاست و فرهنگ

### شاخص‌های سیاست‌گذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی\*

اصغر افتخاری<sup>۱</sup>

مجتبی باباخانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۰۵

### چکیده

فرهنگ به‌عنوان شاخصی مهم در مدیریت سیاست، در نظام‌های مختلف مدنظر بوده است. هر چند بسیاری از عناصر فرهنگی در طول زمان و در اثر علل و عواملی گوناگونی به‌تدریج شکل می‌گیرد، اما نمی‌توان نقش سیاست‌های حکومت در سامان‌دهی به آن را نادیده انگاشت. یکی از وظایف مهم حکومت در جامعه اسلامی، تعیین اصول و سیاست‌های کلی در حوزه مدیریت فرهنگ جامعه است. اصول و سیاست‌های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران که بر مبنای آموزه‌های اسلامی شکل گرفته است نیز طبعاً بر اساس این آموزه‌ها باید طراحی و ترسیم گردد. به این ترتیب، سؤال اصلی تحقیق حاضر آن است که اصول حاکم بر سیاست‌گذاری فرهنگی در جامعه ایران کدامند؟ با توجه به رویکرد عملیاتی نویسندگان، نظریه امام خمینی به‌عنوان محور و مبنای تحقیق انتخاب شده است. برای این منظور، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا، مهم‌ترین بیانات ایشان در این حوزه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و تلاش شده مدلی بیانگر مهم‌ترین اصول سیاست‌گذاری فرهنگی از نگاه امام خمینی ارائه گردد.

**واژگان کلیدی:** امام خمینی، سیاست‌گذاری فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران،

فرهنگ، سیاست.

\* پژوهش حاضر با حمایت مرکز تحقیقات بین‌رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی دانشگاه امام صادق (ع) تهیه شده است.

۱. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

eftekhari@isu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری معارف اسلامی و علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)

ojtababakhani@gmail.com

نسبت سیاست و فرهنگ یکی از دغدغه‌های محوری فلاسفه و اندیشمندان علوم انسانی بوده است. در واقع باید گفت تأثیر متقابلی که فرهنگ و سیاست در وجوه مختلف می‌توانند بر فرایند شکل‌گیری و شکوفایی یکدیگر داشته باشند، آشکارتر از آن بوده که بتوان از انفکاک این دو مقوله سخن گفت. تأمل در آثار متفکران برجسته این حوزه نشان می‌دهد که نه همه آنها برداشت مشابهی از این نسبت داشته‌اند و نه اتفاق نظری دربارهٔ تقدم از سوی دیگر، فرهنگ به‌عنوان عنصری مسلط در روابط اجتماعی، نقش بسیار مهمی در هر جامعه ایفا می‌کند. در واقع، فرهنگ شیوهٔ کنش و واکنش مردم یک جامعه را مشخص می‌کند. در این میان، فرهنگ‌های حاکم و مسلط در هر زمان تلاش می‌کنند تفاوت‌های فرهنگی موجود میان جوامع را به‌نفع خود کمرنگ کرده و در نهایت با تحمیل سلطهٔ خویش، این تفاوت‌ها را از میان بردارند. از این منظر است که تمدن غرب می‌کوشد باورها، نگرش‌ها و رفتارهای مردم در سایر فرهنگ‌ها را با تحمیل فرهنگ خویش بر آنان تغییر دهد و ارزش‌های مدنظر خود را در سایر فرهنگ‌ها نفوذ داده و به‌تدریج خود را بر آنان مسلط نماید (شریعتی و عظیمی طرقدری، ۱۳۹۳).

عنصر فرهنگ، نقش انکارناپذیری در پیروزی انقلاب اسلامی و تداوم آن داشته است و به‌عنوان عنصر محوری و مسلط در تمامی مناسبات و تحولات اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کند. از سوی دیگر، دشمنان نیز می‌کوشند با نفوذ و اشاعهٔ فرهنگ غربی، از طریق تغییر باورها و نگرش‌های مردم، بر رفتار آنان در عرصهٔ عمل تأثیر بگذارند. نظام جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظامی که شاکلهٔ اصلی آن بر پایهٔ اسلام ناب بنا نهاده شده، دارای اصول و مبانی خاص خود، مبتنی بر مکتب اسلام است (لطیفی و ظهوریان ابوترابی، ۱۳۹۴). بی‌تردید این اصول و مبانی در مسائل گوناگون جامعه جلوه نموده و سیری هدفمند را به‌سوی مقصودی مشخص در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی دنبال می‌نماید.

بر این اساس، جامعهٔ اسلامی که بر اساس این اصول شکل گیرد، همچون نظامی شبکه‌ای و به هم پیوسته عمل می‌کند که ارتباطی نظام‌مند میان اجزاء مختلف آن جاری است و نظام‌های اجتماعی آن (یعنی نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) همچون یک



کل واحد عمل می‌کنند. در این میان، هر چند همه مکاتب الهی و مادی وجود نظام‌های اجتماعی و ارتباط نظام‌مند میان آنها را پذیرفته‌اند، اما آنچه وجه تمایز آنها محسوب می‌شود، میزان توجه هر مکتب به هر یک از این نظام‌ها یا به عبارت دیگر، نحوه اولویت‌بندی نظام‌های اجتماعی است. بدین ترتیب، می‌توان ادعا نمود که در دین اسلام به‌عنوان مکتبی که غایت نهایی خویش را عبودیت بندگان و سعادت انسان و جامعه قرار داده، عنصر «فرهنگ» از اولویت بالاتری نسبت به سایر نظام‌های اجتماعی برخوردار است؛ لذا لزوم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح در این حوزه نیز بسیار محسوس خواهد بود.

از آنجایی که سیاست‌گذاری در امور مختلف به‌ویژه مقوله فرهنگ، بر اساس اسلام ناب، نیازمند شناخت و آگاهی دقیق از اصول و مبانی اندیشه اسلامی است، دور راه برای دست‌یابی به مبانی و اصول سیاست‌گذاری فرهنگی می‌توان در پیش‌گرفت: راه اول، تسلط بر اصول و مبانی اسلام با مراجعه مستقیم به قرآن کریم و احادیث معصومین<sup>(ع)</sup> است. راه دوم عبارت است از: بنا نهادن پایه‌های تحلیل بر اندیشه یک اسلام‌شناس که پیش از این، آن راه را طی کرده و استخراج اصول و مبانی اسلامی بر اساس اندیشه‌های وی. از آنجایی که با توجه به محدودیت‌های تحقیق، امکان طی مسیر اول وجود ندارد، مراجعه به آرای یک اسلام‌شناس می‌تواند راهکاری برای نیل به هدف باشد. بر این اساس، نگارندگان در این پژوهش در پی آن هستند تا اصول سیاست‌گذاری فرهنگی در جامعه اسلامی را با بهره‌گیری از آراء و اندیشه‌های امام خمینی<sup>(ره)</sup> استنباط نمایند.

ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که بنای نگارندگان در این نوشتار بر آن بوده که با نگاهی انتقادی به وضعیت موجود سیاست‌گذاری فرهنگی در کشور نگریسته شود؛ لذا تلاش شده در عین پای‌بندی به اصول مکتب اسلام، با نگاهی انتقادی به نوع برداشت‌های صورت گرفته از این مکتب با به‌چالش کشیدن سازوکارهای فعلی، در موارد مورد نیاز، از طریق انتقاد بازاندیشانه-کزی‌ها و کاستی‌های سیاست‌های موجود احصا شود و ترتیباتی نو و بدیل‌هایی مناسب برای آنها ارائه گردد. همچنین در این نوشتار تلاش شده با نگاهی مستقل و فرهنگ‌محور به سیاست‌گذاری فرهنگی نگریسته شود و از نگرش ابزاری به سیاست‌گذاری فرهنگی که فرهنگ را به دست‌مایه نیل به اهداف موجود در سایر حوزه‌ها تبدیل می‌کند (فاضلی و قلیچ، ۱۳۹۲: ۹۶ و ۱۵۵)؛ خودداری گردد.



## چارچوب مفهومی و نظری

چارچوب مفهومی و نظری این تحقیق در دو بخش مفاهیم و نظریه سیاست گذاری فرهنگی به شرح زیر مطرح می شود:

### الف) مفاهیم

#### ۱. فرهنگ

حضرت امام فرهنگ را اساس یک ملت می داند و معتقد است «بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۳، ج ۱۵: ۲۴۳). ایشان اهمیت فرهنگ برای یک ملت را چنان می داند که «اگر فرهنگ جامعه ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می کند و بالأخره در آن مستهلک می شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان پذیر است» (همان جا).

از نگاه امام خمینی، سه نوع فرهنگ از یکدیگر قابل تمایز است: نوع اول، فرهنگ غربی است که صرفاً به تربیت انسان در بعد مادی توجه داشته و به سعادت و تکامل معنوی وی بی توجه است. این فرهنگ هر چند موجب توسعه مادی و پیشرفت صنعتی تمدن غرب شده، اما انحطاط و سقوط معنوی این تمدن را در پی داشته است (موسوی خمینی، ۱۳۸۳، ج ۸: ۱۰۸). نوع دوم، فرهنگ وابسته یا استعماری است که نه از لحاظ مادی و نه معنوی، ثمره ای برای ملت ها نداشته و برخلاف فرهنگ غربی، حتی هویت و منافع مادی ملت ها را نیز تأمین نخواهد کرد (همان، ج ۳: ۳۰۶). سومین نوع، فرهنگ اسلامی انسانی است که ایشان از آن با تعبیری چون فرهنگ الهی و فرهنگ استقلالی یاد کرده است. ایشان این فرهنگ را تأمین کننده همه شئون مادی و معنوی انسان دانسته که در صورت تحقق، دنیا و آخرت ملت ها را تضمین خواهد کرد (همان جا).



## ۲. سیاست گذاری

از آنجایی که مفهوم سیاست گذاری یا خط‌مشی گذاری، مفهومی متأخر و برخاسته از علوم دانشگاهی است، کمتر از سوی امام راحل مورد استعمال قرار گرفته است. اما با ارائه تعریف مشخص از این مفهوم، می‌توان اصول و شاخصه‌های آن را در آراء ایشان جستجو کرد. «خط‌مشی یا سیاست، مجموعه‌ای از اقدامات ثابت و هدفمند است که به وسیله فرد یا مجموعه‌ای از بازیگران برای پرداختن به یک مسئله یا دغدغه دنبال می‌شود» (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۲۳). بر این اساس، پژوهشگران، سیاست گذاری را «مجموعه اقدامات هدفمند که به وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با یک مشکل یا موضوع خاص دنبال می‌شود» (اشتریان، ۱۳۸۶: ۲۷) دانسته‌اند و درباره خاستگاه آن نیز معتقدند «علوم سیاست گذاری عکس‌العملی است به تقاضاهای روزافزون جامعه و نهادهای عمومی آن از سوی سیاست‌دانان برای حل مشکلات و بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اداری» (همان: ۱۱). بنابراین، می‌توان گفت سیاست گذاری عملی است که به وسیله آن، خطوط کلی برای قرار گرفتن فعالیت‌ها در مسیر خاص تعیین می‌شود و ترسیم این خطوط برای مجموعه‌ای از رفتارها باید در جهت تحقق اهداف مجموعه باشد. از این رو سیاست گذاری در امور فرهنگی، تعیین خطوط عریضی است که جامعه باید در عرصه فرهنگی آن را در نظر داشته باشد (وحید، ۱۳۸۸: ۳۸-۳۷).

### ب) نظریه سیاست گذاری فرهنگی

«سیاست گذاری فرهنگی» شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد یا نظام اجتماعی استیلا دارد. به عبارت دیگر، با یک تعریف عملیاتی باید گفت سیاست گذاری فرهنگی نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم و ضروری در فعالیت فرهنگی می‌باشد و راهنما و دستورالعمل برای مدیران فرهنگی خواهد بود (خان‌محمدی، ۱۳۸۶: ۴). این نوع سیاست گذاری، معطوف به اراده دولت در ایجاد، تحکیم یا دگرگون‌سازی مقررات و تنظیمات در زمینه فرهنگ است؛ این اراده می‌تواند سلبی یا ایجابی باشد (وحید، ۱۳۸۹: ۲۸۸).

سیاست گذاری فرهنگی، نوعی برنامه‌ریزی راهبردی است که از آرمان‌ها و ارزش‌های جامعه الهام می‌گیرد و شامل اصول و راهبردهای کلان و معطوف به عملی است که نوع



عملکرد یک نهاد اجتماعی در امور فرهنگی را مشخص می‌کند (اجاللی، ۱۳۷۹: ۵۹). به این اعتبار، سیاست‌گذاری، منظومه‌ای سامان‌یافته از اهداف نهایی درازمدت، میان‌برد، قابل‌سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را دربر می‌گیرد. بنابراین، الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی الزاماً بر اساس هدف‌گذاری‌های خاصی که از اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده خود اخذ می‌کند، سامان می‌یابد و سیاست‌گذاری فرهنگی فاقد هدف‌گذاری‌های پیشینی، چیزی جز ترجمان عدم سیاست‌گذاری فرهنگی نیست (وحید، ۱۳۸۹: ۵۴-۵۵).

در حوزه سیاست‌گذاری در عرصه فرهنگ، نظریات گوناگونی وجود دارد که می‌توان آنها را به سه دسته کلی تقسیم نمود. برخی با اتخاذ رویکرد تفسیری و ارائه تعریف حداکثری از فرهنگ، مخالف هرگونه سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ هستند. برخی دیگر با در پیش گرفتن رویکرد اثبات‌گرایانه و ارائه تعریفی حداقلی از فرهنگ، با نگاهی مکانیکی و عینی به حوزه فرهنگ، آن را کاملاً قابل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌دانند. عده‌ای هم با نفی دو رویکرد ذکر شده، سیاستی بینابین در پیش گرفته و ضمن رد نگاه مکانیکی به حوزه فرهنگ، مدلی ارگانیک و هنجاری برای سیاست‌گذاری در این عرصه را پیشنهاد می‌کنند (الوانی و هاشمیان، ۱۳۸۷: ۸). با کمی اغماض، می‌توان رویکرد سوم را به الگوی مورد اتخاذ در این پژوهش نزدیک‌تر دانست.



## ادبیات پژوهش

هرچند درباره موضوع این پژوهش کتاب مستقلی که سیاست‌گذاری فرهنگی را از منظر امام خمینی مورد بررسی و تحقیق قرار داده باشد، وجود ندارد، اما ادبیات موجود در این حوزه را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ دسته اول، آثاری که به سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند و آثاری که سیاست‌گذاری فرهنگی را از منظر امام راحل مورد بررسی قرار داده‌اند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این موارد اشاره می‌شود.

### الف) کتب موجود در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران

اصول و مبانی سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به کوشش رسول حسین‌لی در سال ۱۳۷۹ برای نخستین بار چاپ شده است. از جمله مطالب مورد بحث این کتاب، روش

مطالعه سیاست‌های فرهنگی یک کشور، پیش‌نویس پیشنهادی اهداف، اصول و سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری بخش فرهنگ، امکان‌پذیری برنامه‌ریزی فرهنگی، باورهای فرهنگی مناسب توسعه ایران، بررسی تطبیقی شاخص‌های فرهنگی ایران با سایر کشورهای جهان و گذری بر روند مسائل فرهنگی کشور از پیروزی انقلاب تا کنون است (حسین‌لی، ۱۳۷۹).

سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران عنوان کتابی است که پرویز اجالالی آن را به‌رشته تحریر در آورده و توسط انتشارات «آن» در سال ۱۳۷۹ منتشر شده است. فصول ابتدایی این کتاب به مباحثی پیرامون «مفهوم فرهنگ» و «توسعه و فرهنگ» اختصاص یافته و در فصل سوم مفهوم «سیاست‌گذاری فرهنگی» مورد بحث قرار گرفته است. تطور سیاست‌گذاری فرهنگی، انواع سیاست‌گذاری فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی کلان‌نگر، سیاست‌گذاری فرهنگی خردنگر و سیاست‌گذاری فرهنگی در ایران، از جمله مباحث مطرح شده در فصل سیاست‌گذاری فرهنگی این کتاب هستند. فصل چهارم کتاب نیز به مبحث «برنامه‌ریزی فرهنگی و سابقه آن در ایران» اختصاص دارد (اجالالی، ۱۳۷۹).

سرمشقی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی اثری است که محسن رضایی آن را نوشته است. مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تاریخچه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران و نارسایی‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، از جمله موارد مورد بحث در این کتاب است (رضایی، ۱۳۸۰).

روش برنامه‌ریزی در بخش فرهنگ کتابی است که سازمان برنامه و بودجه منتشر کرده است؛ نویسنده کتاب حسن احمدی است. فصل اول کتاب به مباحثی پیرامون تعاریف «فرهنگ» و «برنامه‌ریزی» و بررسی نظرات مختلف درباره امکان برنامه‌ریزی در امور فرهنگی پرداخته شده است. سپس سابقه برنامه‌ریزی فرهنگ در جهان و ایران و مسایل اساسی در برنامه‌ریزی فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران بررسی شده و از نگاه‌های مختلف موجود در این حوزه سخن به میان آمده است (احمدی، ۱۳۷۰).

#### ب) مقالات موجود در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی از منظر امام خمینی

یکی از مقالاتی که درباره سیاست‌گذاری فرهنگی از منظر امام راحل نگاشته شده، مقاله‌ای با عنوان «دولت و سیاست‌گذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی» است که توسط یوسف



خان‌محمدی به‌رشتهٔ تحریر درآمده و در نشریه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی به چاپ رسیده است. او در این مقاله به بررسی نقش و میزان دخالت دولت در سیاست‌گذاری فرهنگی از نگاه امام پرداخته است. از نگاه نویسنده، واگذاری سیاست‌گذاری فرهنگی به دولت یا نهادهای خارج از دولت، از جمله مسائلی است که در میان اندیشمندان از اجماع نظر برخوردار نیست. برخی اعتقاد به دخالت حداقلی دولت در فرهنگ و برخی نگاهی حداکثری دارند. آنچه این مقاله در صدد بررسی آن است، دیدگاه امام خمینی دربارهٔ دخالت دولت اسلامی در سیاست‌گذاری فرهنگی است؛ از آنجا که در منظومه فکری امام خمینی دولت علاوه بر تأمین کالا و خدمات عمومی، نقش هدایت‌گرایانه نیز دارد، باید به سیاست‌گذاری فرهنگی پردازد. از این‌رو در این مقاله، دولت و سیاست‌گذاری فرهنگی از منظر امام خمینی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نسبت مؤلفه‌هایی همچون خودباوری، قانون‌گرایی، نقش مردم، حدود دخالت دولت، کرامت انسانی و مبانی اسلام با سیاست‌گذاری فرهنگی از زاویه نگاه امام خمینی مورد بررسی قرار گرفته است (خان‌محمدی، ۱۳۸۶).



«واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران؛ آسیب‌ها و راهبردها» عنوان مقالهٔ دیگری است که توسط سیدعلیرضا شریفی و عبدالرضا فاضلی نگاشته شده است. این مقاله با هدف بررسی تحلیلی و آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، ضمن تعریف دو مفهوم فرهنگ و سیاست عمومی؛ سیاست‌های فرهنگی و ملاحظات نظری سیاست‌گذاری فرهنگی را تبیین کرده و پس از تشریح سیاست‌های فرهنگی، با استفاده از روش مطالعهٔ کتابخانه‌ای اسنادی و مدارک علمی و تدوین آراء و نظرهای افراد خبره و صاحب‌نظر در قالب روش دلفی، به تدوین آسیب‌های این حوزه و ارائه راهکارهای نظری و عملی برای مقابله با آنها می‌پردازد.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد رابطهٔ دوسویهٔ فرهنگ و سیاست‌گذاری، ظرفیت بالقوه مؤثر و فراوانی در ایجاد تحولات فرهنگی و مدیریتی در کشورمان دارد که بخش بسیار کوچکی از آن به فعلیت رسیده است. با نگرش آسیب‌شناسانه به عرصهٔ سیاست‌های فرهنگی، می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین آسیب‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران به مواردی چون تعدد، ناهماهنگی و ناسازگاری میان مراکز سیاست‌گذار فرهنگی، عدم تدوین شاخص‌های قابل رصد، برخورد شعاری با



سیاست‌های فرهنگی، عدم تعیین مسئولیت دستگاه‌های فرهنگی، ضعف در پویایی و روزآمدی سیاست‌های فرهنگی متناسب با تغییرات محیطی و مقتضیات زمان، فقدان تفاهم و دیدگاه مشترک مجریان، کم‌توجهی به نهادهای مردمی، عدم اولویت‌بندی سیاست‌ها، ضعف در نظارت مؤثر و کم‌توجهی به نظارت همگانی و خودکنترلی، تناقض در سیاست‌های اعمالی، ابهام در ارتباط میان سیاست‌های فرهنگی با سایر سیاست‌ها و... اشاره کرد (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱).

### روش‌شناسی، فرایند تحلیل داده‌بنیاد

در تحقیق پیش رو، برای تحلیل محتوای پیام‌های حضرت امام از روش «تحلیل داده‌بنیاد»<sup>۱</sup> استفاده شده است. این روش که یکی از روش‌های کیفی<sup>۲</sup> تحلیل متن محسوب می‌شود، نوعی استقرا<sup>۳</sup> از یک پدیده است که می‌تواند نمایان‌گر مدلی از آن پدیده باشد (دانایی فرد، ۱۳۸۴: ۵۸). در تحلیل داده‌بنیاد، نمونه‌گیری کاملاً هدفمند<sup>۴</sup> و جهت‌دار است و متناسب با موضوع و با هدف رسیدن به یک نظریه و مدل انجام می‌گیرد؛ به این شکل که ابتدا متنی که بیشترین مفاهیم را در موضوع مدنظر پوشش داده و به نظر می‌رسد هم‌پوشانی فراوانی با موضوع دارد، به‌عنوان «نمونه اول»<sup>۵</sup> مبنای کار قرار می‌گیرد و سپس اولویت‌های بعدی به ترتیب مورد بررسی قرار گرفته و مدل و الگوی مدنظر به تدریج تکمیل می‌شود.

در این پژوهش، با توجه به اینکه هدف اصلی آن احصای «مبانی و اصول سیاست‌گذاری فرهنگی از نگاه امام خمینی» بوده، متونی که بیشترین ارتباط را با موضوع پژوهش داشتند، انتخاب گردید؛ که متن «وصیت‌نامه امام خمینی» که بیشترین مفاهیم را در موضوع مدنظر پوشش داده، به‌عنوان «نمونه اول» انتخاب و مبنای تحلیل قرار داده شد. سپس سایر پیام‌ها نیز بررسی شد و چهار پیام دیگر (جدول شماره یک) به ترتیب اولویت دسته‌بندی شده و مورد بررسی قرار گرفت. پس از بررسی مورد چهارم، با مطالعه دو مورد دیگر از پیام‌ها، معلوم شد تحقیق به «نقطه اشباع»<sup>۶</sup> رسیده، چراکه از این موارد، مفهوم و

1. Grounded Theory
2. Qualitative
3. Induction
4. Pruposeful Sampling
5. First Sample
6. Saturation Point



مقوله جدیدی بدست نیامد و پژوهشگر تنها با «داده‌های تکراری»<sup>۱</sup> مواجه شد. «حدس عالمانه» محقق این بود که با ادامه روند نیز تغییر خاصی در مفاهیم صورت نگیرد؛ لذا اصطلاحاً «کفایت نظری»<sup>۲</sup> حاصل شده و الگوی نهایی با استفاده از مفاهیم و مقولات به دست آمده طراحی گردید.

### جدول ۱. متون اصلی امام خمینی در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی

ردیف	عنوان پیام	تاریخ	کد
۱	وصیت‌نامه سیاسی- الهی امام خمینی	۱۳۶۶/۹/۱۹	A
۲	پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (پذیرش قطعنامه ۵۹۸)	۱۳۶۷/۴/۲۹	B
۳	پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت‌الله الحرام (برائت از مشرکان)	۱۳۶۶/۵/۶	C
۴	پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین و ائمه جمعه و جماعات (منشور روحانیت)	۱۳۶۷/۱۲/۳	D
۵	پیام به محمدعلی انصاری (منشور برادری)	۱۳۶۷/۸/۱۰	E
۶	پیام به میخائیل گوباجف (پیش‌بینی فروپاشی شوروی)	۱۳۶۷/۱۰/۱۱	F



پس از انتخاب متون مدنظر، برای تحلیل محتوای آن، قطعه‌ای از متن (جمله، پاراگراف یا...) انتخاب شده و پس از تجزیه کامل، مضامین موجود در آن متناسب با موضوع مدنظر- استخراج می‌گردند که اصطلاحاً به آن «کد گذاری باز»<sup>۳</sup> گفته می‌شود. هر یک از مضامین احصاشده برای سهولت ارجاع و شناخت و پرهیز از تکرار، با یک نشانگر منحصر به فرد مشخص می‌گردند. در این پژوهش از مدل ذیل برای کد گذاری استفاده شده است:

- P: مخفف کلمه Point و نشان‌دهنده «نکته کلیدی» است.
- A, B, C..., W, X: بیانگر هریک از پیام‌هایی است که مورد بررسی قرار گرفته‌اند.
- 1, 2, 3... بیانگر شماره نکته کلیدی است؛ به‌طور مثال «PB8» نشانگر نکته کلیدی هشتم از پیام «B» یعنی دومین پیام مورد بررسی قرار گرفته است.

پس از استخراج مضامین و کد گذاری آنها، با بهره‌گیری از وجوه مشترک موجود میان برخی از آنها، تعدادی از مضامین که دارای اشتراک و نزدیکی بیشتری هستند، تحت یک عنوان کلی‌تر که پوشش‌دهنده تعدادی از آنها باشد، دسته‌بندی می‌شوند که به آنها

1. repetitive or duplicated data
2. theoretical situation
3. open coding

«مفهوم»<sup>۱</sup> گفته می‌شود. گام بعدی، «مقوله‌بندی»<sup>۲</sup> متن است. در این مرحله برای رسیدن به اصولی عام‌تر، چند مفهوم که دارای اشتراکات بیشتری هستند، تحت عنوان یک «مقوله»<sup>۳</sup> جمع شده و یک اصل کلی‌تر را تشکیل می‌دهند. مقولات احصاشده، در واقع همان اصول شکل‌دهنده مدلی نهایی خواهند بود. طراحی مدل در واقع گام آخر و هدف نهایی تحلیل داده‌بنیاد محسوب می‌شود. در این مرحله تلاش می‌شود نظم منطقی موجود میان مقولات و ارتباط علی و معلولی آنها مشخص شده، نظام معنایی مرتبط با آن استخراج و در قالب یک مدل مفهومی ارائه گردد.

### یافته‌های تحقیق

در این بخش، ابتدا هر یک از پیام‌های برگزیده حضرت امام برای احصای مبانی و اصول سیاست‌گذاری فرهنگی از نگاه ایشان در سه گام تحلیل مضمونی، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی مورد بررسی قرار گرفت و سپس تلاش شد به ارائه مدل از مقولات به‌دست آمده پرداخته شود.

### مورد پژوهی اول

از آنجایی که تحلیل داده‌های مورد نخست، مبنایی برای انتخاب و تحلیل موارد بعد خواهد بود، انتخاب مورد اول از اهمیت فراوانی برخوردار است. مورد نخست، موردی است که باید بیشترین قابلیت را برای پاسخ‌گویی به سؤالات تحقیق داشته باشد. بر این اساس، اولین متنی که به‌علت شمول و جامعیتش به‌عنوان نمونه اول مورد بررسی قرار گرفته، متن «وصیت‌نامه امام خمینی» است. با تحلیل این متن، ۱۲۹ مضمون استخراج گردید که در قالب ۳۲ مفهوم و در نهایت در ۶ مقوله کلی دسته‌بندی شد. در جدول شماره ۲ قسمت‌هایی از جدول انتخاب جملات منتخب وصیت‌نامه و استخراج مضامین آن به‌عنوان نمونه آمده است.

1. concept
2. categorization
3. categories



## جدول ۲. تحلیل مضمونی وصیت نامه امام خمینی

ردیف	جملات منتخب	کدهای باز	نشانه کدها
۱	قال رسول الله - صلى الله عليه وآله وسلم: أتى تاركاً فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي أهل بيتي؛ فإنهما كن يفتنرنا حتى يردا على الحوض.	اهمیت و محوریت قرآن	PA1
۲	پس از شهادت حضرت علی <sup>(ع)</sup> شروع شد؛ خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضدقرآنی و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم <sup>(ص)</sup> فرا گرفته بودند، عقب زدند.	قرآن، ابزار دست حکومت‌های نامشروع	PA2
		ائمه <sup>(ع)</sup> مفسران حقیقی قرآن	PA3
		پایمال شدن حق ائمه <sup>(ع)</sup>	PA4
		ظلم دشمنان اسلام به قرآن	PA5
۳	در حقیقت قرآن را - که برای بشریت بزرگ‌ترین دستور زندگانی مادی و معنوی بوده و هست - از صحنه خارج کردند و بر حکومت عدل الهی - که یکی از آرمان‌های این کتاب مقدس بوده و هست - خط بطلان کشیدند.	قرآن، بزرگ‌ترین دستور زندگانی مادی و معنوی	PA6
		برقراری حکومت عدل، یکی از اهداف قرآن	PA7
		قرآن، منشأ وحدت مسلمین و حتی کل جامعه بشری	PA8
۴	قرآن کریم که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری است، از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی <sup>(ص)</sup> تنزل داده شد.		



فصلنامه علمی - پژوهشی

۶۸

دوره نهم  
شماره ۳  
پاییز ۱۳۹۵

در جدول شماره ۳ نیز مضامینی که به لحاظ مفهومی با یکدیگر نزدیک بودند، ترکیب شده و ذیل یک مفهوم کلی تر دسته‌بندی شدند؛ بخش‌هایی از این جدول نیز در ادامه به عنوان نمونه آمده است.

## جدول ۳. مفهوم‌سازی وصیت نامه امام خمینی

ردیف	مفاهیم	مضامین	نشانه کدها
۱	اهمیت و محوریت قرآن	قرآن و عترت، دو ارث پیامبر اسلام برای مسلمین	PA1
		قرآن، ابزار دست حکومت‌های نامشروع	PA2
		ظلم دشمنان اسلام به قرآن	PA5
		ائمه <sup>(ع)</sup> مفسران حقیقی قرآن	PA3
۲	الگوگیری از اهل بیت <sup>(ع)</sup>	پایمال شدن حق ائمه <sup>(ع)</sup>	PA4
		الگوگیری از ائمه و معصومین <sup>(ع)</sup>	PA19
		مقتارن دانستن آخوند سیاسی با آخوند بی‌دین؛ توطئه دشمنان	PA11
۳	جامعیت دین اسلام و برپایی حکومت براساس احکام اسلامی	برقراری حکومت عدل، یکی از اهداف قرآن	PA7
		برقراری حکومت عدل، یکی از اهداف قرآن	PA7
۴	تحقق عدالت اجتماعی	عدم اختصاص خدمات به شهرها و مناطق مرفه	PA109
		سرمایه داری، مخالفت عدالت اجتماعی	PA114

## مورد پژوهی دوم

دومین نمونه‌ای که مورد بررسی قرار گرفت، «پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه ۵۹۸)» است. این پیام نیز بعد از وصیت‌نامه، بیشترین مفاهیم مرتبط با سیاست‌گذاری فرهنگی را در خود جای داده است. با بررسی این پیام، ۱۳۱ مضمون احصا گردید که در قالب ۴۱ مفهوم گنجانده شد. از میان مفاهیم به‌دست آمده، ۹ مورد آنها جدیدند. در نهایت نیز این مفاهیم در قالب ۶ مقوله - که اصول کلی آن همان مقولات استخراج شده از وصیت‌نامه است، اما تغییراتی در دسته‌بندی‌های ذیل آنها صورت گرفته - دسته‌بندی شد. لازم به ذکر است که با توجه به محدودیت حجم تحقیق، از مورد دوم به بعد، از ذکر جداول تحلیل مضامین و مفاهیم خودداری شده است. مقولات احصا شده نیز در پایان بررسی مورد سوم آورده شده است.

## مورد پژوهی سوم

پیام دیگری که مورد ارزیابی قرار گرفت، «پیام به مسلمانان ایران و جهان و زائران بیت‌الله الحرام (برائت از مشرکان)» است. با تحلیل اولیه این پیام، ۲۱۳ مضمون از آن استخراج گردید که در قالب ۴۴ مفهوم دسته‌بندی شد. از میان این مفاهیم، تنها دو مفهوم «زهد و ساده‌زیستی روحانیت و مسئولین» و «اهمیت مسجد در فرهنگ» جدید هستند. این مفاهیم نیز ذیل همان ۶ مقوله قرار گرفتند؛ فقط مقوله «زمینه‌سازی جهت تحقق اهداف جهانی انقلاب» به این شکل تکمیل گردید؛ «زمینه‌سازی جهت تحقق اهداف جهانی انقلاب و صدور انقلاب».

مقولات استخراج شده از بررسی سه مورد اول، در جدول شماره ۴ نشان داده شده است. لازم به ذکر است در این جدول، مقولات مستخرج از پیام اول به صورت عادی آمده، زیر مقولاتی که با بررسی پیام دوم افزوده شده خط کشیده شده است<sup>۱</sup> و مقولات احصا شده از مورد سوم نیز پررنگ (بولد) شده است.



## جدول ۴. مقوله‌بندی پیام برائت از مشرکین

ردیف	مقوله	مفاهیم	نشانه‌گر کد
۱	مبنا قرار دادن اسلام حقیقی	جامعیت دین اسلام و برپایی حکومت بر پایه احکام اسلامی	PC13-PC16-PC17-PC54-PC55-PC79-PC95-PC102-PC128-PC148-PC150-PC153-PC168-PC180-PC181-PC207
		پیوند سیاست و دیانت در اسلام و سیاسی اجتماعی بودن غالب احکام اسلامی	PC25-PC31-PC32-PC33-PC36-PC40-PC143-PC144-PC159-PC161
		مخالفت اسلام با مکاتب مادی	PC42-PC67-PC69-PC103-PC118-PC162-PC178-PC179
<u>حفظ مصلحت نظام اسلامی و مسلمین</u>			
۲	قرآن و عترت؛ اصول اساسی تشیع	تمسک به قرآن	PC6-PC7-PC76-PC145-PC155-PC166
		تمسک به اهل بیت (ع)	PC2-PC5-PC9-PC35-PC39-PC43-PC56-PC75-PC89-PC92-PC130-PC154-PC167-PC175-PC188-PC205-PC206-PC209-PC212-PC213
۳	حرکت در جهت تحقق اهداف اساسی حکومت اسلامی	تحقق استقلال و خودکفایی	PC15-PC80-PC86-PC93-PC97-PC101-PC116
		تحقق آزادی مشروع	PC87-PC90-PC94-PC99
		تحقق عدالت اجتماعی	PC88-PC96-PC208
		تحقق همبستگی و وحدت	PC23-PC24-PC123-PC127-PC163
۴	اصلاح نوع نگاه مردم و مسئولین به مسائل؛ متناسب با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی	انجام کار برای رضای خدا	PC71-PC132-PC192
		اولویت انجام تکلیف بر کسب نتیجه	
		اولویت حفظ اصول و آرمان‌ها بر تأمین زندگی مادی	PC44-PC107-PC108-PC109-PC110
		ترویج روحیه استقبال از سختی‌ها و فدای همه چیز در راه گسترش نفوذ اسلام	PC1-PC18-PC34-PC45-PC46-PC47-PC74-PC82-PC111-PC126-PC133-PC194-PC210
		ایجاد امید در مردم با تبیین واقعیت‌ها	PC105-PC106-PC112-PC129
		همراه و همدل ساختن مردم با آرمان‌های انقلاب اسلامی	PC183-PC191-PC195
		آگاه‌سازی مردم از مسائل و رفع شبهات آنان	



فصلنامه علمی - پژوهشی

۷۰

دوره نهم  
شماره ۳  
پاییز ۱۳۹۵



ردیف	مقوله	مفاهیم	نشانهگر کد
		اصلاح نوع نگاه به مسئولیت؛ از قدرت و فرصت به خدمت	PC134-PC142-PC169- PC186-PC193-PC196
			اهمیت خدمت گذاری خالصانه به بندگان خدا
			PC198-PC199
۵	زمینه سازی برای تحقق اهداف جهانی انقلاب و صدور انقلاب	تلاش برای بیداری و قیام مسلمین علیه سلطه	PC21-PC72
			گسترش ابزار تبلیغ اسلام و آگاه سازی افکار عمومی مسلمین در سرتاسر عالم
			PC10-PC11-PC12-PC38- PC51-PC53-PC58-PC68- PC104-PC172
			دعوت مسلمین به مبارزه و قیام
			PC41-PC64-PC70- PC100-PC113-PC201- PC203-PC3-PC4-PC28
			ج.ا.ا.
		تلاش برای وحدت مذاهب اسلامی	PC23-PC77
	اهمیت تربیت نیروی انسانی کارآمد در مقابله با دشمن (انسان سازی)	تربیت نیروی انسانی جوان و انقلابی انتخاب و گزینش نیروی انسانی	PC37
			مقابله با نفوذ عناصر دشمن
			PC136-PC137-PC138- PC139-PC182-PC184- PC197
			تقدم مبارزان بر قائدین و پابرهنگان بر مرفهان بی درد
۶	اصول مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن  اصلاح شاخص های فرهنگی جامعه	مقابله با عناصر منفی فرهنگی (مقابله با اسلام آمریکایی)	پذیرش و ترویج اندیشه جدایی دین از سیاست
			مقابله با اختلاف افکنی و ایجاد تفرقه
			PC156-PC170-PC171- PC177
			ترویج غرب زدگی
			PC14-PC151
			گسترش فساد و ترویج مظاهر آن
ترویج اشرافیت و فرهنگ تجملی			



نشانه کد	مفاهیم		مقاله	ردیف
PC138-PC139	مقابله با رفاه و راحت طلبی			
PC29-PC30-PC66-PC176	مقابله با تحجر و مقدس مآبی			
PC8-PC27-PC39-PC40-PC49-PC50-PC52-PC57-PC59-PC78-PC81-PC140-PC165-PC174-PC180-PC185-PC187-PC190-PC204	استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان	تقویت مؤلفه‌های مثبت فرهنگی (ترویج اسلام ناب)		
PC48-PC83-PC94-PC131-PC189-PC211	ترویج فرهنگ شهادت طلبی			
PC115	تقویت اعتماد به نفس و خودباوری			
PC19-PC84-PC119-PC124-PC135-PC200	حفظ و تحکیم هویت ملی و اسلامی			
	دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی			
PC20-PC85-PC141-PC146-PC147-PC152-PC164-PC174-PC175	روحانیت و حوزه‌های علمیه	اقشار و مراکز مؤثر بر فرهنگ	توجه و داشتن برنامه برای عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ	
	رسانه‌های گروهی و مراکز فرهنگی - تفریحی			
PC173	مسجد			
PC21	وحدت حوزه و دانشگاه	سیاست‌ها و برنامه‌ها برای مراکز آموزشی و فرهنگی		
PC19-PC60-PC73-PC91-PC117-PC120-PC125-PC149-PC158-PC121-PC122	افزایش توان مقابله تبلیغاتی با دشمن			

### مورد پژوهی چهارم

نمونه دیگری که مورد تحلیل قرار گرفت، «پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات (منشور روحانیت)» است. حاصل تحلیل این پیام، ۵۳ مضمون است که در ۴۶ مفهوم - که دو مورد آن جدیدند - دسته‌بندی شده است. مفاهیم جدید این پیام عبارتند از: «اهمیت و ضرورت دشمن‌شناسی» و «حفظ اصول و عدم تخطی از آنها در عین پویایی اجتهاد».



## مورد پژوهی پنجم

پنجمین پیامی که در این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفت، «نامه حضرت امام به محمدعلی انصاری (منشور برادری)» است؛ با بررسی این پیام، هیچ مفهوم و مقوله جدیدی به مفاهیم و مقولات گذشته افزوده نشد.

## مورد پژوهی ششم

ششمین موردی که مورد تحلیل قرار گرفت، «پیام به گویاچف و پیش‌بینی فروپاشی شوروی» بود. با بررسی این مورد نیز همانند مورد قبل، مفهوم جدیدی به مفاهیم پیشین افزوده نشد.

## تحلیل یافته‌های تحقیق

پس از بررسی شش نمونه انتخابی، به نظر می‌رسد با ادامه این روند و بررسی سایر پیام‌های مهم حضرت امام نیز مفهوم و مقوله جدیدی اضافه نگردد. لذا می‌توان در این مرحله با اعلام «کفایت نظری»، پس از تبیین مفاهیم و مقولات به دست آمده، مدلی مفهومی از نوع ارتباط و جایگاه هر کدام از این مقولات و مفاهیم در سیاست‌گذاری فرهنگی کشور ارائه نمود.

### ۱. مبانی سیاست‌گذاری فرهنگی

هرچند بحث پیرامون مبانی سیاست‌گذاری از نگاه امام از حیطة این پژوهش خارج است، اما با توجه به لزوم بنا نهادن اصول بر مبانی، به اختصار به ارکان اصلی مبانی سیاست‌گذاری از منظر ایشان اشاره می‌شود. با نگاهی کلی به اندیشه امام خمینی می‌توان گفت از منظر ایشان، سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ در جامعه اسلامی باید مبتنی بر اصول اسلام حقیقی و دو محور اساسی آن، یعنی قرآن و عترت، صورت گیرد. بر اساس اندیشه امام راحل، در جامعه اسلامی همه قوانین و اصول را اسلام مشخص کرده و «شارع مقدس اسلام یگانه قدرت مقننه است»، لذا «هیچ کس حق قانون‌گذاری ندارد؛ و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمی‌توان به مورد اجرا گذاشت» و وظیفه همه قوا و دستگاه‌ها، برنامه‌ریزی بر اساس قانون اسلام است، نه قانون‌گذاری (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۴۴). بدین ترتیب، می‌توان گفت تمام اصول و مبانی اولیه مورد نیاز برای سیاست‌گذاری در هر عرصه‌ای، از جمله فرهنگ، باید از درون احکام و قوانین دین



اسلام و با بهره‌گیری از دو منبع اساسی آن یعنی، قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام (ص) و سیره ائمه معصومین (ع) استخراج گردد.

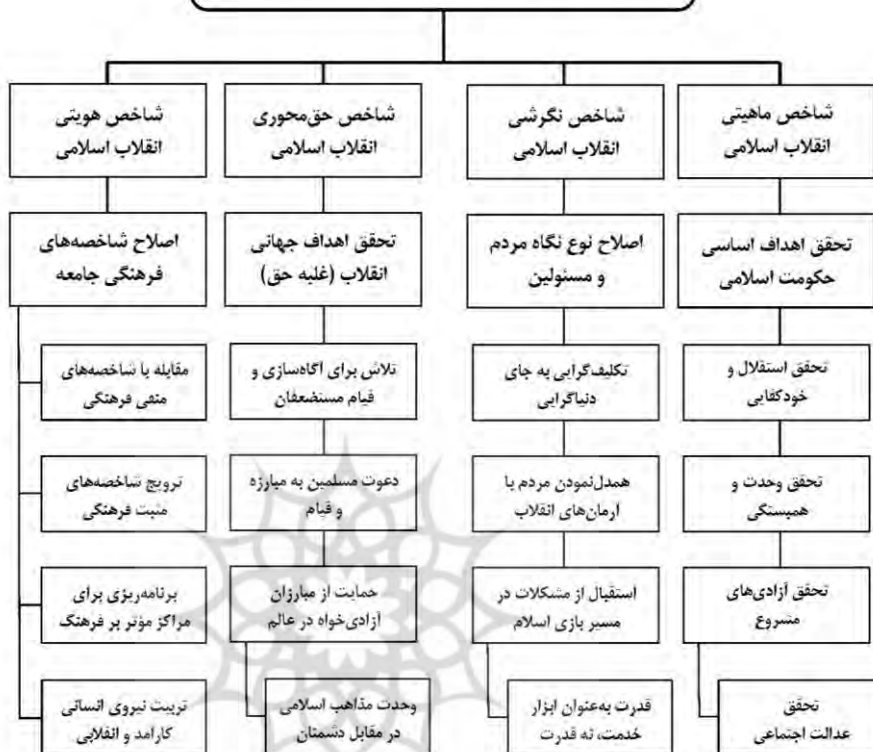
## ۲. اصول سیاست‌گذاری فرهنگی

همان‌گونه که گفته شد، حضرت امام مبنای سیاست‌گذاری در عرصه‌های مختلف از جمله فرهنگ را اصول اسلام ناب محمدی می‌دانند که باید از قرآن کریم و سیره نبوی استخراج گردد. اما با نگاهی به اندیشه ایشان می‌توان برخی از اصولی که مستخرج از همین مبانی بوده و باید در سیاست‌گذاری فرهنگی در جامعه اسلامی مورد توجه قرار گیرد را احصا نمود. البته باید توجه داشت که در نگاه امام خمینی اسلام برای نجات کل بشر آمده است و برای اداره جهان و به سعادت رساندن کل بشر برنامه دارد، لذا سیاست‌گذاری فرهنگی از نگاه ایشان به گونه‌ای صورت می‌پذیرد که زمینه را برای تحقق اهداف جهانی اسلام فراهم نماید؛ هر چند لازمه این امر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح برای جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان الگویی بی‌بدیل از یک حکومت اسلامی حقیقی در عصر کنونی است. بدین ترتیب، می‌توان گفت هر چند امام راحل با توجه به شرایط حاکم بر جهان امروز- در وهله اول نگاه به درون کشور و ساختن الگویی مناسب برای سایر ممالک دارد، اما این نگاه بدون در نظر داشتن نگاه جهانی ایشان قابل تبیین نیست.

لازم به ذکر است که این اصول در قالب چهار شاخص کلی تبیین گردیده است که عبارتند از: «شاخص ماهیتی انقلاب اسلامی»، «شاخص هویتی انقلاب اسلامی»، «شاخص نگرشی انقلاب اسلامی» و «شاخص حق‌محوری انقلاب اسلامی». در ادامه به برخی از اصول قابل برداشت از اندیشه امام برای استفاده در سیاست‌گذاری فرهنگی در جامعه اسلامی و زمینه‌سازی فرهنگی برای تشکیل حکومت جهانی اسلام اشاره می‌شود. نمودار شماره ۱ شمایی کلی از این اصول را نشان می‌دهد.



## اصول سیاستگذاری فرهنگی از نگاه امام خمینی (ره)



نمودار ۱. اصول سیاستگذاری فرهنگی از نگاه امام خمینی (ره)

### ۳. تبیین شاخص‌ها

در این مرحله به تبیین اصول سیاست‌گذاری فرهنگی در جامعه اسلامی بر اساس آرا و اندیشه‌های امام راحل ذیل چهار شاخص احصاء شده در نمودار شماره ۱ پرداخته می‌شود.

**الف) شاخص ماهیت انقلاب اسلامی؛ حرکت در جهت تحقق اهداف اساسی حکومت اسلامی**  
یکی از مهم‌ترین اصولی که باید در بحث سیاست‌گذاری فرهنگی مورد توجه قرار گیرد، درونی کردن گرایش به سمت تحقق اهداف اساسی نظام اسلامی است. از آنجایی که حفظ ماهیت نظام اسلامی به تحقق اهداف آن وابسته است و تحقق این اهداف جز با همراهی و



پذیرش مردم میسر نیست، از جمله اصولی که سیاست‌گذاران عرصه فرهنگ باید به آن توجه نمایند، تبیین درست این اهداف برای جامعه و تلاش در جهت سیر جامعه به سوی تحقق آرمان‌های مدنظر برای رسیدن به یک جامعه مطلوب اسلامی است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌هایی که از نگاه حضرت امام جزو ذاتیات نظام اسلامی است، اشاره می‌شود.

### - حرکت در مسیر تحقق استقلال و خودکفایی

استقلال و واژه‌های مشابه آن، همچون خودکفایی و نفی وابستگی، با ۳۹ مورد تکرار، بیشترین فراوانی را در میان مفاهیم وصیت‌نامه حضرت امام به خود اختصاص داده است (کوشکی، ۱۳۷۹: ۱۷). این امر نشانگر اهمیت توجه به فرهنگ‌سازی در راستای میل به سوی استقلال و خودکفایی جامعه اسلامی در عرصه‌های مختلف در نگاه ایشان است. هر چند استقلال در اندیشه امام از جنبه‌های گوناگونی برخوردار است اما از نگاه ایشان، استقلال در عرصه فکر و فرهنگ بزرگ‌ترین وابستگی‌ها و منشأ سایر انواع وابستگی محسوب می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۷۹). «وابستگی فکری، وابستگی عقلی، وابستگی مغزی به خارج، منشأ اکثر بدبختی‌های ملت‌هاست» (همان، ج ۱۲: ۴).

بدین ترتیب به نظر می‌رسد روحیه میل به استقلال و خودکفایی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های هویتی اصلی جامعه اسلامی از جمله مواردی است که سیاست‌گذاران در عرصه فرهنگ باید در جهت ترویج آن در جامعه برنامه‌ریزی نمایند؛ البته توجه به نقش دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی در تحقق این امر نباید مغفول واقع گردد.

### - حرکت در مسیر تحقق آزادی مشروع

امام خمینی علی‌رغم اینکه آزادی را یکی از گرایش‌های فطری بشر می‌داند که انسان ذاتاً به آن متمایل بوده و از حقوق مسلم هر شخص محسوب می‌شود که هیچ‌کس حق سلب آن را ندارد (همان، ج ۷: ۳۶۸)، اما قیودی را برای آن قائل بوده و معتقد است هر یک از اعضای جامعه، با هر عقیده و مسلکی، به شرط رعایت برخی اصول همچون پرهیز از توطئه و خیانت، عدم وابستگی به بیگانه و... از آزادی کامل در جامعه اسلامی برخوردار خواهد بود.

نکته مهم دیگری که نوع نگاه اسلام به مسئله آزادی و حدود آن را مشخص می‌نماید، ریشه تفاوت نگاه مکاتب مختلف به مفهوم آزادی است. بر اساس جهان‌بینی صرفاً مادی



موجود در غرب، آزادی نیز تنها در ابعاد مادی و دنیوی آن معنا خواهد داشت؛ از نظر امام خمینی این نوع آزادی «همان است که حیوانات در صدر خلقت آزاد بودند! انبیاء آمدند این آزادی را جلویش را بگیرند» (همان، ج ۸: ۵۱۷). بر اساس جهان‌بینی اسلامی، انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است و برای رسیدن او و به تبع آن جامعه- به کمال، باید هر دو بعد مورد توجه قرار گیرد. در این میان، اصالت با آزادی معنوی انسان از هواهای نفسانی خویش است که مقدم بر آزادی جسمانی انسان از اسارت سایر مخلوقات در دنیاست. از نگاه ایشان کسی که بندگی خدا را به هوای آزاد بودن نپذیرد، در واقع به بندگی نفس خویش و سایر مخلوقات تن داده است؛ هرچند در ظاهر آزاد و غیر مقید باشد.

#### - حرکت در مسیر تحقق عدالت اجتماعی

تحقق عدالت یکی دیگر از اهداف اساسی حکومت اسلامی است. حضرت امام معتقد است احکام شرعی و قوانین اسلامی «اموری ابزاری هستند برای اجرای حکومت و گسترش عدالت» در جامعه (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۴۷۲). در تبیین علت اهمیت عدالت می‌توان گفت در نگاه توحیدی حضرت امام هدف نهایی خلقت، به کمال و سعادت رسیدن انسان و به تبع آن جامعه است. پیامبران الهی نیز کوشیده‌اند فضای جامعه را برای رشد و تعالی انسان یا به تعبیر امام (ره)، انسان‌سازی فراهم آورند. بدین ترتیب، عواملی که زمینه را برای سیر جامعه به سوی هدف غایی‌اش فراهم می‌آورند، به عنوان اهدافی میانی مورد توجه قرار گرفته و اهمیت می‌یابند. لذا امام راحل با تمام اهمیتی که برای تحقق عدالت قائلند، معتقد است «مقصد، این (عدالت اجتماعی) نیست، اینها همه وسیله است که انسان برسد به یک مرتبه دیگری که برای آن، انبیا آمده‌اند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۱۷۱). با این نگاه، تشکیل حکومت الهی که تمام انبیا و ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> در راستای تحقق آن سختی‌ها کشیده‌اند نیز به‌خودی خود از ارزشی برخوردار نبوده بلکه چون لازمه برقراری عدالت اجتماعی و به تبع آن انسان‌سازی در جامعه است، مورد توجه و مهم است (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۵۴).

#### - حرکت در مسیر تحقق همبستگی و وحدت

«وحدت و همبستگی» یکی دیگر از اهداف اساسی حکومت در جامعه اسلامی محسوب می‌شود که زمینه لازم برای رسیدن به بسیاری از اهداف دیگر را فراهم می‌سازد. بنابراین، سیاست‌گذاری در جهت تحقق این هدف، با در نظر گرفتن ظرافت‌هایی که مبانی و



محدوده وحدت را مشخص می نماید، یکی دیگر از اصولی است که باید مورد توجه متخصصان امر قرار گیرد.

بنیان گذار انقلاب اسلامی هر چند دعوت به وحدت را از کاربردی ترین دستورات الهی معرفی می نماید که در کنار ایمان به خدا از مهم ترین عوامل مؤثر در پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می شود، اما یک قید مهم بر آن زده و در مورد تفاوت امر اسلام به وحدت با دعوت سایر مکاتب غیر الهی معتقد است «تمام دستورهای مردم عادی و رژیم های غیر الهی این است که همه با هم باشید فقط دستور به اجتماع است. لکن دستور خدا دستور «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ» است؛ یعنی از نگاه ایشان، امر اسلام به وحدت، امر به اتحاد با هر شخصی با هر مسلک و اعتقادی نیست بلکه «امر این است که همه با هم اعتصام به «حبل الله» بکنید. راه، راه حق باشد و توجه به حق باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۱۳۱).

بنابراین، در عین حالی که وحدت یکی از اهداف بنیادین حکومت اسلامی محسوب می شود و زمینه ساز تحقق سایر اهداف نیز به شمار می آید، دارای حدود و مبانی مشخصی است که بی توجهی به آن در تعیین سیاست های فرهنگی نظام اسلامی می تواند جامعه اسلامی را از مسیر صحیحش خارج نماید.



### ب) شاخص نگرشی انقلاب اسلامی؛ اصلاح نوع نگاه مردم و مسئولین به مسائل، متناسب با اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی

یکی از دلایل اهمیت مبانی اعتقادی (جهان بینی و انسان شناسی) تفاوت های عمده ای است که این مبانی در نوع نگرش افراد به مسائل مختلف ایجاد می نمایند. هر یک از مکاتب الهی و مادی، متناسب با مبانی ای که بر آن استوار گردیده اند، نوع نگرش خاصی را ترویج می کنند که تأثیر بسزایی در تمامی عرصه های اجتماع، به ویژه مقوله فرهنگ دارد. نوع نگاه افراد به هر امری می تواند تأثیر فراوانی بر نحوه پیشبرد آن بگذارد. به عبارت دیگر، نحوه نگاه انسان به جهان (هستی شناسی) و نوع نگرش به انسان (انسان شناسی) می تواند تغییرات شگرفی در نوع نگاه وی به امور روزمره داشته باشد. بر این اساس، از جمله مهم ترین اصولی که می توان از اندیشه حضرت امام برای سیاست گذاری در عرصه فرهنگ برداشت نمود، اصلاح نوع نگرش افراد جامعه عام از مردم و مسئولین- و تلاش برای همسان سازی افق دید مسئولان و عامه مردم با آرمان ها و اهداف نظام اسلامی است. در ادامه به برخی از

مهم‌ترین ملزومات و ثمرات این امر اشاره می‌شود.

### - ترویج روحیه تکلیف‌محوری و آخرت‌طلبی به‌جای نتیجه‌گرایی و دنیاخواهی

جهان‌بینی و انسان‌شناسی تک‌بعدی مکاتب مادی منجر به این‌دنیایی دیدن همه امور گردیده و نهایت تلاش یک شخص می‌تواند به جلب منفعت مادی بیشتر در این دنیا محدود شود؛ در حالی که بنا بر جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی این دنیا مرحله گذار به آخرت است و مقدمه‌ای برای نیل به سعادت اخروی محسوب می‌گردد. بر این اساس، از نگاه امام، آنچه اهمیت دارد، نه دست‌یابی به منافع گسترده‌تر در این جهان بلکه «انجام تکلیف الهی و کسب رضای خداوند» است. بنابراین، در انجام هر کاری باید این ملاحظه را در نظر گرفت که چگونه می‌توان به بهترین شکل به وظیفه و تکلیف الهی خویش عمل نمود نه اینکه چگونه می‌توان به نهایت سود و منفعت مادی در این دنیا دست یافت. نتیجه این نوع نگاه آن است که ایشان معتقدند «همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه» (موسوی خمینی، ۱۳۸۳، ج ۲۱: ۲۸۵).

از نگاه ایشان، اعمال انسان دو گونه است؛ در برخی موارد باید شرط احتمال وصول نتیجه را در نظر گرفته و تنها در صورت اطمینان از حصول نتیجه اقدام نمود ولی در مواردی خود قیام اقدام است که موضوعیت می‌یابد و در این صورت هر چند اطمینان از عدم حصول نتیجه وجود داشته باشد، فرد مسلمان مکلف به قیام و اقدام خواهد بود (همان، ج ۵: ۱۸). لذا از جمله وظایف سیاست‌گذاران فرهنگی، تلاش برای اصلاح نگاه مادی به جهان و نهادینه نمودن نوع نگاه اسلامی است.

### - همراه و همدل ساختن مردم با آرمان‌های انقلاب اسلامی

اصل دیگری که سیاست‌های فرهنگی باید در جهت تحقق آن تدوین گردند، تلاش برای ایجاد نوعی همدلی و همراهی میان مردم و آرمان‌های انقلاب است؛ چراکه مقابله با سیل دسیسه‌های داخلی و خارجی در جامعه اسلامی تنها در صورتی امکان دارد که مردم انقلاب را از خود دانسته و با جان و دل در راستای تحقق آرماهای اساسی انقلاب مجاهدت نمایند (همان، ج ۱۴: ۲۸۴). حضرت امام از یک‌سو همه مردم را موظف به حضور در صحنه‌های دفاع از اسلام و انقلاب دانسته و مسامحه در این امر را از هر قشری که سر بزنند، گناهی بزرگ و «در رأس گناهان کبیره» دانسته (همان، ج ۲۱: ۴۲۲) و از سوی دیگر نیز مسئولین را موظف به فراهم نمودن شرایط حضور فعال مردم در امور گوناگون ممکلتی



می‌داند (همان، ج ۱۶: ۲۰۳).

ایجاد امید در مردم نسبت به عملکرد گذشته و آینده انقلاب و پاسخ مناسب به شبهات القا شده پیرامون آرمان‌های انقلاب اسلامی در جامعه توسط دشمن، از دیگر موارد مؤثر در همدل و همصدا نمودن مردم با آرمان‌های انقلاب است (همان، ج ۳: ۳۷۱).

**- اصلاح نوع نگاه به مسئولیت؛ از قدرت و فرصت به خدمت**

اصلاح نحوه نگرش مسئولین به قدرت، یکی دیگر از شاخه‌های اصلاح نوع نگاه، متناسب با آرمان‌های انقلاب به‌شمار می‌آید. نگاه به قدرت در دنیای امروزی و متناسب با نگرش مکاتب مادی، موقعیت و فرصتی است در اختیار اشخاص و گروه‌های صاحب قدرت، برای تأمین حداکثری منافع خویش؛ حال آنکه با نگاه الهی امام خمینی، «نفس حاکم شدن و فرمانروایی وسیله‌ای بیش نیست و برای مردان خدا، اگر این وسیله به کار خیر و تحقق هدف‌های عالی نیاید، هیچ ارزش ندارد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۵۴).

بر اساس اندیشه‌های امام راحل، خدمت به بندگان خدا از بزرگ‌ترین عبادات محسوب می‌شود و مسئولین کشور در واقع خدمت‌گزاران مردم محسوب می‌گردند، نه رؤسا و صاحبان قدرت. ایشان درباره نقش خویش در انقلاب نیز می‌گوید: «اگر به من بگویند خدمت‌گزار، بهتر از این است که بگویند رهبر. رهبری مطرح نیست، خدمت‌گزاری مطرح است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۴۶۵). بدین ترتیب، باید گفت یکی از اصول بسیار مهم که باید مورد توجه سیاست‌گذاران عرصه فرهنگ کشور قرار گیرد، اصلاح نوع نگرش مردم به امور مختلف، متناسب با آرمان‌ها و آموزه‌های اسلام است که باید به تدریج در میان مردم و مسئولان نظام ترویج گردد.

**ج) شاخص حق‌محوری؛ زمینه‌سازی برای تحقق اهداف جهانی و صدور انقلاب**

از نگاه اسلامی، جهان همواره عرصه جدال حق و باطل است؛ لذا از جمله شاخص‌هایی که حکومت اسلامی باید همواره در جهت تحقق آن تلاش نماید، حمایت از جبهه حق در سراسر جهان است که در این تحقیق از آن با عنوان «حق‌محوری» یاد شده است. این شاخص، از اصول غیر قابل تخطی در جامعه اسلامی است که در سیاست‌گذاری فرهنگی به‌عنوان حمایت از حق در کل عالم و تلاش برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی بروز پیدا می‌کند.

بدین ترتیب، یکی از اصولی که باید در سیاست‌گذاری در عرصه فرهنگ مورد توجه





قرار گیرد، تلاش برای زمینه‌سازی تحقق اهداف جهانی انقلاب اسلامی است. از آنجایی که دین اسلام، خواهان رهایی مستضعفان در کل جهان از سلطهٔ مستکبران است، تلاش برای صدور ارزش‌های اسلامی و انسانی به کل مستضعفین عالم و یاری رساندن به ایشان برای رهایی از سلطهٔ سلطه‌گران یکی از اصولی است که باید در سیاست‌گذاری فرهنگی در جامعهٔ اسلامی مورد توجه قرار گرفته و برای تحقق آن برنامه‌ریزی شود. تأمین این خواسته نیاز به فراهم آوردن زمینه‌هایی دارد که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها از نگاه امام خمینی<sup>(ره)</sup> اشاره می‌کنیم.

#### - تلاش برای بیداری و قیام مسلمین علیه سلطه

از جمله مهم‌ترین موانع موجود در راه جهانی‌سازی آرمان‌ها و ارزش‌های اسلام ناب، حکام و سلاطین ستمگر حاکم بر جوامع اسلامی هستند؛ لذا یکی از زمینه‌های لازم برای گام نهادن در جهت تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی در جهان اسلام، تلاش برای بیدار ساختن مسلمین و تحریک و تشویق آنان به قیام علیه حکام ظالم است که خود نیازمند تحقق شرایط و فراهم آمدن زمینه‌های لازم است.

حضرت امام با استفاده از آموزه‌های عرفانی، یقظه یا بیداری را گام اول در مبارزه با نفس می‌داند و با تسری این اصل به مبارزات اجتماعی، معتقد است «این سران قوم هستند که مانع هستند از رشد فکری و معنوی و مادی ملت‌ها» (همان، ج ۱۳: ۸۶) و آگاه نمودن مسلمین از اوضاع و احوال جهان و روابط کشورهای سلطه‌گر با ممالک تحت سلطه (همان، ج ۱۷: ۳۰۹) می‌تواند در بیداری و قیام آنان علیه حکام جور مؤثر واقع گردد.

#### - حمایت از مبارزان عالم، اصل اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

پس از تلاش برای آگاهی‌بخشی و قیام مسلمین علیه سلطهٔ حاکمان ظالم، حضرت امام حمایت از تمامی مبارزان در سراسر عالم را از اصول تخطی‌ناپذیر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانسته و رسماً اعلام می‌کند «جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند» (همان، ج ۲۱: ۹۱) و «درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطهٔ جهان‌خواران» بوده و هست (همان، ج ۲۱: ۸۱).

ایشان جمهوری اسلامی ایران را «پشتیبان و حامی مبارزات و برنامه‌های اسلامی... در هر سنگری علیه متجاوزین» (همان، ج ۲۰: ۳۴۵) معرفی نموده که «به‌عنوان یک دژ نظامی و



آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را با مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین با اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد» (همان، ج ۲۱: ۹۲) و از «حقوق گذشته، حال و آینده» آنان دفاع خواهد کرد (همان، ج ۲۰: ۳۴۵).

#### - تلاش برای وحدت مذاهب اسلامی

یکی از راهکارهای دشمنان برای جلوگیری از صدور انقلاب اسلامی به سایر ممالک اسلامی، شیعی نشان دادن انقلاب و متهم نمودن جمهوری اسلامی ایران به تلاش برای تشکیل امپراتوری بزرگ شیعه و در نتیجه، خطرناک جلوه دادن انقلاب اسلامی برای تمام کشورهای اهل سنت منطقه برای منزوی نمودن جمهوری اسلامی است. امام راحل معتقد است دشمنان برای مقابله با نفوذ و گسترش انقلاب اسلامی، مخدوش ساختن وجهه آن را به‌عنوان بهترین راه برای منزوی ساختن آرمان‌های انقلاب به کار گرفته‌اند. ایشان «طرح اختلاف بین مذاهب اسلامی» را جنایتی می‌داند «که به‌دست قدرتمندان که از اختلاف بین مسلمانان سود می‌برند و عمال از خدا بی‌خبر آنان از آن جمله و عاظ السلاطین که از سلاطین جور سیاه‌روی‌ترند، ریخته شده و هر روز بر آن دامن می‌زنند» تا از وحدت مسلمین در مقابل استعمارگری‌هایشان جلوگیری نمایند (همان، ج ۱۵: ۱۷۰).

بنابراین، به‌نظر می‌رسد در مقابل اقدامات دشمنان در راستای اختلاف‌افکنی میان مسلمین و تضعیف آنان، تلاش برای فرهنگ‌سازی در جهت وحدت مذاهب مختلف اسلامی و نیز وحدت کل مستضعفین و آزادی‌خواهان جهان و تشکیل اردوگاه واحد در مقابل مستکبران، از جمله اصول غیر قابل چشم‌پوشی است که باید در سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گیرد.

#### (د) شاخص هویتی؛ اصلاح شاخصه‌های فرهنگی بر اساس اسلام ناب

از دیگر شاخص‌های اساسی در جامعه اسلامی، شاخص هویتی آن است. اساس هویت یک جامعه بر مؤلفه‌های فرهنگی آن استوار است. هویت اصیل و حقیقی جامعه اسلامی از یک سو به تحقق شاخصه‌های فرهنگی اسلام ناب در جامعه و از سوی دیگر به محو شاخصه‌های فرهنگی بیگانه یا اسلام آمریکایی وابسته است. بنابراین، یکی از اصول اساسی که باید در سیاست‌گذاری در عرصه فرهنگ مورد توجه قرار گیرد، تلاش برای احیای هویت اسلامی جامعه است.



تهاجم به فرهنگ و تلاش برای مخدوش ساختن فرهنگ بومی و اسلامی جامعه، از جمله مواردی است که همواره در راستای تضعیف ممالک مستقل و آزادی خواه مورد استفاده گسترده دشمنان قرار گرفته است. از آنجایی که از خود بیگانگی و وابستگی فرهنگی، مقدمه و لازمه وابسته نمودن یک مملکت در سایر امور است، مقابله در عرصه فرهنگ، بسیار سرنوشت ساز و تعیین کننده در سایر حوزه ها محسوب می شود؛ لذا از اهمیت و حساسیت فوق العاده ای برخوردار است.

از نگاه امام خمینی در مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانگان باید به سه عامل نیروی انسانی انقلابی و کارآمد، شاخصه های فرهنگی جامعه و نیز اقبال و مراکز تأثیرگذار بر فرهنگ توجه ویژه ای نمود. در ادامه، به برخی از مهم ترین ملزومات هر یک از این سه اصل اشاره می شود.

#### - اهمیت نیروی انسانی در مقابله با دشمن (انسان سازی)

از نگاه امام خمینی انسان سازی یا تربیت نیروی انسانی، اساس و پایه تحول در هر امری است، به گونه ای که «هر مملکتی به نیروی انسانی اش [بسته] است. اگر نیروی انسانی در کار نباشد، مملکت دیگر مملکت نیست» (همان، ج ۵: ۵۴). ایشان جلوگیری از رشد و تربیت درست نیروی انسانی را مهم ترین خیانت صورت گرفته در دوران گذشته دانسته و اصولی را برای تربیت نیروی انسانی کارآمد و انقلابی ارائه می نماید.

حضرت امام با بررسی نقشه دشمن برای تضعیف ممالک تحت سلطه، برنامه آنان را چنین خلاصه می کند: «روی هم رفته می خواستند که مملکت ما را از «انسان» خالی بکنند و نیروی انسانی را به تباهی بکشند» (همان، ج ۹: ۲۰۱) و «این از همه ضربه هایی که به ما وارد شده است بدتر است»؛ چرا که «انسان می تواند که اقتصادش را با یکی دو سال، چهار سال، درست بکند، اما انسانی را که فاسد کردند و یک طبقه را که حالا چهل ساله هستند، سی ساله هستند، این ها فاسد شدند، یک عمر می خواهد این طبقه را دوباره برگرداند به حالی که باید رشد بکند» (همان، ج ۸: ۱۵۷).

بدین ترتیب، حضرت امام تربیت نیروی انسانی متعهد و کارآمد را از مهم ترین نیازهای کشور در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی می داند که همه دستگاه های مرتبط اعم از دولت، دانشگاه و حوزه های علمیه باید در راستای تحقق آن برنامه ریزی دقیق داشته و به سرعت گام بردارند.



## - اصلاح شاخصه‌های فرهنگی جامعه

یکی از اصولی که هر چند به این نام در کلام امام خمینی کمتر دیده می‌شود اما نمونه‌های آن در سیره و سخنان ایشان به وضوح وجود دارد، تلاش برای اصلاح شاخصه‌های فرهنگی جامعه بر اساس مبانی اسلام ناب محمدی است. از نگاه امام راحل، فرهنگ جامعه در اثر دوران طولانی سلطهٔ بیگانگان و دست‌نشانده‌گان‌شان، دچار آسیب‌های فراوانی شده که اصلاح آن نیازمند برنامه‌ریزی و آموزش صحیح «فرهنگ آموزندهٔ اسلامی» و جایگزینی آن با «فرهنگ بدآموز غربی» موجود، در مدت زمانی طولانی است (همان، ج ۱۹: ۱۱۱). لذا یکی اصولی که باید در سیاست‌گذاری در حوزهٔ فرهنگ مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد، برنامه‌ریزی برای اصلاح شاخصه‌های منفی فرهنگی و ترویج و تقویت شاخصه‌های مثبت فرهنگی اسلامی در جامعه است.

**اول) مقابله با شاخصه‌های منفی فرهنگی (مقابله با اسلام آمریکایی):** حضرت امام با تبیین گونه‌ای از اسلام که آن را «اسلام آمریکایی» می‌نامند، به برخی از شاخصه‌های منفی فرهنگی به عنوان شاخصه‌های «فرهنگ استعماری» اشاره نموده و معتقد است «امروز استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم با جهان اسلام عاجز مانده است... راه نفوذ و گسترش فرهنگ اسلام آمریکایی را از به آزمایش گذاشته‌اند» (همان، ج ۲۱: ۱۲۱).؛ لذا یکی از مسئولیت‌های خطیر مردم و مسئولان جامعه مبارزه با این شاخصه‌ها و تلاش برای اصلاح آنهاست. «بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب‌زده و شرق‌زده نمودن آنان» (همان، ج ۲۱: ۴۱۵)، «ترویج مراکز فساد و عشرتکده‌ها و مراکز قمار» (همان، ج ۱۴: ۳۸۶)، تمایل به دنیا و فرهنگ تجملی و اشرافی و گرایش به رفاه و راحت‌طلبی و «اخلاق کاخ‌نشینی» (همان، ج ۱۷: ۳۷۶) و مواردی از این دست، شاخصه‌هایی است که از نگاه امام راحل باید فرهنگ خودی را از آن مصون داشت تا بتوان هویت بومی خویش را از نفوذ عناصر بیگانه حفظ و فرهنگ ملی را تقویت نمود.

**دوم) تقویت مؤلفه‌های مثبت فرهنگی (ترویج اسلام ناب):** در مقابل برخی شاخصه‌های منفی که حضرت امام ذیل عنوان اسلام آمریکایی مطرح نمود، شاخصه‌هایی را نیز برای اسلام واقعی و اصیل که آن را «اسلام ناب محمدی» می‌نامید، بیان فرمود. ایشان راه نجات و پیروزی نهایی انقلاب اسلامی را تمسک به اصول اسلام ناب و ترویج آن در میان اقشار مختلف جامعه می‌داند که برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن عبارتند از: قیام برای برپایی دین



خدا، مبارزه با «مستکبرین»، «مرفهین بی درد» و «فرصت طلبان» و تلاش برای حمایت «مستضعفان» و «پابرهنگان» و «رنج دیدگان» (همان، ج ۲۱: ۱۱)، روحیه «جهاد و شهادت طلبی» و آمادگی هزینه جان و مال و... در راه آرمان‌ها و اعتقادات (همان، ج ۱۴: ۵۲۲) خودباوری و اعتماد به نفس (همان، ج ۱۴: ۳۰۷)، احیای هویت اصیل اسلامی در میان مسلمین (همان، ج ۱۲: ۵). مواردی از این دست، از جمله مؤلفه‌های مثبت فرهنگی هستند که امام خمینی بر ترویج و گسترش آن در جامعه تأکید می‌نماید.

#### - برنامه‌ریزی برای تقویت عوامل تأثیرگذار بر فرهنگ

به نظر می‌رسد بر اساس اندیشه‌های امام خمینی، علاوه بر توجه به شاخصه‌های مثبت و منفی فرهنگی و داشتن برنامه برای اصلاح و بهبود این شاخصه‌ها در عرصه افراد جامعه، باید به برخی از مراکزی که تأثیرات فراوانی بر فرهنگ جامعه دارند نیز توجه ویژه‌ای شده و اصول و برنامه‌های مشخصی برای آنها تدوین نمود. در این میان، برخی از مراکز که نقش مهمی در فرهنگ‌سازی ایفا می‌نمایند، از اهمیت بالایی برخوردارند.

**اول) حوزه علمی و دانشگاه:** با توجه به جایگاه تربیت در فرهنگ مردم، بدیهی است مراکزی چون دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و مراکز آموزشی، نقش بسیار پررنگی در اندیشه امام راحل دارند. ایشان همواره از دانشگاهیان و حوزویان به‌عنوان اقشار نخبه جامعه یاد کرده و معتقد است «دانشگاه مبدأ همه تحولات است. از دانشگاه، چه دانشگاه علوم قدیمه چه دانشگاه علوم جدید، از دانشگاه سعادت یک ملت و در مقابل سعادت، شقاوت یک ملت سرچشمه می‌گیرد» (همان، ج ۸: ۶۵).

**دوم) مساجد:** از دیگر مراکز فرهنگی که برای اصلاح فرهنگ باید به آن توجه نمود، مساجد هستند. امام خمینی ریشه نهضت اسلامی در ایران را نیز در مساجد می‌داند و معتقد است «این مساجد است که نهضت را درست کرد» و حفظ و تداوم نهضت را نیز در حفظ مساجد می‌داند. از نگاه ایشان «مسجد یک محلی بود که مردم را به نهضت و به قیام بر ضد ظلم تهییج می‌کرد» (همان، ج ۱۳: ۳۶۳). بنابراین، همان‌گونه که آغاز حرکت نهضت از مساجد بود، شرط تداوم نهضت و به ثمر رسیدن آن نیز حفظ پایگاه مسجد و احیای کارویژه‌های اصیل آن همچون مسجد پیامبر<sup>(ص)</sup> در زمان صدر اسلام است (همان، ج ۸: ۶۱).

**سوم) رسانه‌های عمومی:** عامل دیگری که حضرت امام بر تأثیر آن بر فرهنگ عمومی



جامعه تأکید دارد، رسانه‌های جمعی و عمومی هستند. در این میان، عمده رسانه‌های گروهی مکتوب همچون مطبوعات، از آن جهت که اولاً گستره توزیعشان محدود بوده و در دسترس همه قرار نمی‌گیرد و ثانیاً چون همه توانایی و حوصله مطالعه آنها را ندارند، به نوعی به برخی از اقشار خاص جامعه محدود می‌شوند؛ در حالی که رسانه‌هایی همچون رادیو و تلویزیون «در همه جای کشور، در روستاها و شهرها و همه جا، بچه و بزرگ از این استفاده می‌کنند. این فرق دارد با آن مطبوعات دیگر» و تأثیر آن به گونه‌ای است که «این بچه‌های دو-سه ساله، سه-چهار ساله به این نگاه می‌کنند و از این در روح آنها اثر گذاشته می‌شود تا پیرمردها، همه تحت تأثیر واقع می‌شوند».

**چهارم) مراکز فرهنگی و تفریحی:** مراکز فرهنگی و تفریحی همچون سینما و تئاتر از دیگر مراکزی است که به اعتقاد امام راحل در دوره‌های گذشته تأثیرات فراوانی بر فاسد کردن فرهنگ جامعه داشته است. هر چند ایشان بر نقش مهم این مراکز در شکل‌دهی به افکار عمومی و فرهنگ جامعه اذعان دارد، اما معتقد است بیشترین استفاده‌ای که تا کنون از این ابزارها شده در جهت تخریب فرهنگ خودی و ترویج فرهنگ غربی بوده است (همان، ج ۱۸: ۲۱۶). لذا از هنرمندان متعهد دعوت می‌نمایند هر چند «ساختن تئاتری که مطابق با اخلاق انسانی-اسلامی باشد زحمت دارد و سینما هم اگر بخواهد چنین باشد نیازمند به صرف مدت‌ها وقت است»، اما در راستای اصلاح آن گام بردارند؛ چراکه «هرگز در متن سینما و تئاتر نوشته نشده است که باید مرکز فساد باشند» (همان ج ۱۸: ۲۱۷). از نگاه حضرت امام سیاست‌گذاری مناسب برای این مراکز فعال در عرصه فرهنگ، تأثیرات فراوانی بر اصلاح فرهنگ مردم دارد؛ لذا در سیاست‌گذاری فرهنگی جامعه باید توجه ویژه‌ای به این مراکز داشت.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در ارتباط با سیاست‌گذاری فرهنگی می‌توان دو الگوی اصلی سکولار و هنجاری را از یکدیگر تمییز داد. در حالی که الگوی سکولار به عرفی‌سازی فرهنگ و تبدیل نمودن آن به کالایی اصرار دارد که سیاست‌گذاری در آن تابع اصول ثابت بر مبنای نیاز فردی و مقبولیت جمعی است؛ در رویکرد هنجاری، فرهنگ مقوله‌ای بومی با ارزش استعلایی ارزیابی می‌شود که در تعامل بنیاد اجتماعی با اصول ارزشی شکل می‌گیرد. بر این مبناء،



سیاست گذاری فرهنگی تابع اصول و قواعدی متمایز از رویکرد سکولار خواهد بود. پرداختن به دیدگاه امام خمینی از این حیث مهم بوده و به عنوان رویکردی نوین، بومی و کارآمد در جهان معاصر برای معرفی این اصول و شاخص‌ها مطرح است.

با نگاهی به اندیشه‌های امام خمینی می‌توان مبنای سیاست گذاری در امور مختلف جامعه اسلامی از جمله فرهنگ را ابتدای سیاست‌ها در اصول «اسلام حقیقی» یا «اسلام ناب» دانست که بهترین منابع برای استخراج این اصول «قرآن کریم» و «سیره اهل بیت (ع)» است. با تحلیل صورت گرفته مشخص می‌شود که اصول سیاست گذاری در اندیشه امام را می‌توان ذیل چهار شاخص کلی دسته‌بندی نمود: «شاخص ماهیتی انقلاب اسلامی» که شامل مؤلفه‌هایی است که ماهیت انقلاب اسلامی وابسته به آنهاست؛ همچون آزادی، استقلال، وحدت و عدالت. جامعه اسلامی «شاخص هویتی» که مؤلفه‌هایی از فرهنگ را در برمی‌گیرد که هویت جامعه اسلامی را شکل می‌دهند و می‌توان این اصل را در تلاش حکومت اسلامی در ترویج مؤلفه‌های فرهنگی «اسلام ناب» و مقابله با مؤلفه‌های فرهنگی «اسلامی آمریکایی» خلاصه نمود. «شاخص نگرشی» که باید به عنوان یکی از اصول سیاست گذاری فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. این شاخص حرکت در جهت اصلاح نوع نگاه افراد در جامعه اسلامی عام از مردم و مسئولین - به مسائل و موضوعات گوناگون را شامل می‌شود.

شاخص آخری که در این پژوهش به عنوان یکی از اصول سیاست گذاری در عرصه فرهنگ از اندیشه امام خمینی استخراج گردید، «شاخص حق‌محوری انقلاب اسلامی» است که نشان‌دهنده حمایت حکومت اسلامی از حق در مقابل باطل در هر جای عالم است. این شاخص که از اصل «مبارزه دائمی حق و باطل» اتخاذ شده، از اصول غیر قابل چشم‌پوشی در یک حکومت اسلامی است.

در یک نگاه کلی می‌توان اصول اساسی سیاست گذاری فرهنگی از نگاه امام را در دو بخش کلی که هر کدام شامل دو اصلند، خلاصه نمود: بخش اول، «تلاش در جهت تحقق اهداف جامعه اسلامی در کل عالم» است که دو اصل «تحقق اهداف ماهوی انقلاب اسلامی» و «تحقق اهداف جهانی انقلاب اسلامی (غلبه حق)» مشمول آن می‌شوند. بخش دوم که بیشتر جنبه اصلاحی دارد، «تلاش در جهت برداشتن موانع تحقق فرهنگ اسلام ناب در کل عالم» است که دو اصل «اصلاح نوع نگاه و نگرش مردم و مسئولین» و «اصلاح



شاخصه‌های فرهنگی براساس اسلام‌ناب» را شامل می‌گردد. هدف نهایی در سیاست‌گذاری فرهنگی در جامعه اسلامی، رسیدن انسان و جامعه به سعادت و کمال حقیقی است؛ لذا تمام مبانی و اصولی که در سیاست‌گذاری در این عرصه مورد توجه قرار می‌گیرند، گامی در جهت سیر جامعه و افراد آن به سوی کمالند. به عبارت دیگر، در صورت تحقق آن اصول متخذ از اسلام در عرصه فرهنگ، زمینه برای حرکت جامعه به سوی کمال و تعالی حقیقی فراهم می‌شود. نمودار شماره ۲ این رابطه را بهتر نمایان می‌سازد.





## منابع

- اجلالی، پرویز (۱۳۷۹). سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران. تهران: نشر آن.
- احمدی، حسن (۱۳۷۰). روش برنامه‌ریزی در بخش فرهنگ. تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶). سیاست‌گذاری عمومی ایران. تهران: میزان.
- الوانی، سیدمهدی؛ هاشمیان، سید محمدحسین (۱۳۸۷). ارائه مدل بومی سیاست‌گذاری متوازن بخش فرهنگ. مجموعه مقالات همایش توسعه و تحول در فرهنگ و هنر.
- بحرانی، مرتضی؛ علوی‌پور، سیدمحسن (۱۳۹۱). پارادایم‌شناسی تعامل اندیشه سیاسی و فرهنگی. تحقیقات فرهنگی ایران، ۵(۳)، ۱۲۷-۱۵۱.
- حسین‌لی، رسول (۱۳۷۹). مبانی و اصول سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران (مجموعه مقالات). تهران: نشر آن.
- خان‌محمدی، یوسف (۱۳۸۶). دولت و سیاست‌گذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی<sup>(ره)</sup>. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۳۴ و ۳۵، ۳۸-۴۰.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۴). تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادین. دانشور رفتار، ۱۲(۱۱)، ۵۷-۷۰.
- رضایی، محسن (۱۳۸۰). سرمشقی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی. تهران: ملیکا.
- شریعتی، شهروز؛ عظیمی طرفدری، محمد (۱۳۹۳). الزامات راهبردی جمهوری اسلامی در مدیریت بحران جنگ نرم. تحقیقات فرهنگی ایران، ۷(۳)، ۱۲۷-۱۴۸.
- شریفی سیدعلیرضا؛ فاضلی عبدالرضا (۱۳۹۱). واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران؛ آسیب‌ها و راهبردها. مجلس و راهبرد. ۱۹(۶۹)، ۵۵-۹۰.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۷). مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی. تهران: مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- فاضلی، نعمت‌الله؛ قلیچ، مرتضی (۱۳۹۲). نگرشی نوبه سیاست فرهنگی؛ سیاست فرهنگی از دیدگاه مطالعات فرهنگی. تهران: انتشارات تپسا.
- کوشکی، محمدصادق (۱۳۷۹). تأملاتی در اندیشه سیاسی امام خمینی<sup>(ره)</sup>. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- لطیفی، میثم؛ ظهوریان ابوترابی، میثم (۱۳۹۴). تدوین الگوی ارزیابی شاخص‌های فرهنگ عمومی در دانشگاه‌ها. تحقیقات فرهنگی ایران، ۸(۱)، ۷۰-۴۷.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۶). کتاب‌البیع. ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.



\_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). صحیفه امام (مجموعه ۲۱ جلدی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

وحید، مجید (۱۳۸۸). سیاست‌گذاری عمومی. تهران: میزان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز. تهران: نشر باز.



فصلنامه علمی - پژوهشی

۹۰

دوره نهم

شماره ۳

پاییز ۱۳۹۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

# Criteria of Cultural Policy-Making in Imam Khomeini's Thought\*

Received Date: Sept. 6, 2015

Accepted Date: Nov. 25, 2016

**Asghar Eftekhari<sup>1</sup>**

**Mojtaba Babakhani<sup>2</sup>**

## **Abstract**

Culture is proposed as an important criterion in politics management which has been considered in various systems. Although lots of cultural elements are forming gradually during the time and by the effect of different causes, one cannot ignore the role of government policies in organizing them. Therefore one of the important duties of government in Islamic society is to determine the principles and general policies in the scope of managing the culture of society. The cultural principles and policies of Islamic Republic of Iran, that are formed based on Islamic thoughts, of course should be designed and drawn upon these thoughts. Accordingly, the main question of the current research is that: what are the ruling principles in the cultural policy-making of Iran's society? According to the operational approach of the researchers, Imam Khomeini's theory has been chosen as the base of the research. For this purpose, the content analysis method is used to study his most important speeches in this realm and we have tried to represent a model in which explains the most important cultural policy-making principles in the view of Imam Khomeini.

**Keywords:** Imam Khomeini, Cultural Policy-Making, Islamic Republic of Iran, Culture, Policy.



IJCR

9

Abstract

---

\* The article is prepared by the support of the Center for Interdisciplinary Research for Humanities and Islamic Studies of Imam Sadiq University.

1. Associate professor of Politics, Faculty of Islamic Studies and Politics, Imam Sadiq University; [eftekhari@isu.ac.ir](mailto:eftekhari@isu.ac.ir).

2. Ph.D Candidate in Islamic Studies and Politics of the Iran's problems orientation, Imam Sadiq University (Corresponding Author); [ojtabababakhani@gmail.com](mailto:ojtabababakhani@gmail.com).



## Bibliography

- Ahmadi, H. (1370 [1991 A.D]). Rave -e barn meh rizi dar bax -e farhang. Tehr n S n-e Barn meh va Budjeh.
- Alv ni, S. M., & H emi nS. M. H. (1387 [2008 A.D]). Er eh-ye model-e bumi-e si sa goz ri-e motev n-e bax -e farhang. In *Majmu'eh maqālāt-e hamāyesh-e tuse'eh va tahavol dar farhang va honar*.
- A atri nK. (1386 [2007 A.D]). *Siāsat gozāri-e 'omumi-e Irān*. Tehr n Miz n
- Bahr ni, M., & 'Alavi Pur, S. M. (1391 [2012 A.D]). P rd m en ise ta' mol-e andi eh-ye si si va farhangi. *Tahqiqāt-e Farhangi-e Irān*, 3, 127-151.
- D nyi Fard, H. (1384 [2005 A.D]). Te'uri pardazi b estef dh az ruykard-e esteqr yi: ester tei-e mafhum s ize te'uri-e bony ih. *Dānešvar-e raftār (Dānešgah-e Šāhed)*, 12(11), 57-70.
- Ejl liP. (1379 [2000 A.D]). *Siāsat gozāri va barnāmeḥ rizi-e farhangi dar Irān*. Tehr n n.
- F zā, N., & Qeli M. (1392 [2013 A.D]). *Negareši nu beh siāsat-e farhangi; siāsat-e farhangi az didgāh-e motāle'āt-e farhangi*. Tehr n Tis .
- Hoseyn Li, R. (1379 [2000 A.D]). *Majmu'eh maqālāt-e mabāni va osul-e siāsat-e farhangi dar jomhuri-e eslāmi-e Irān*. Tehr n n.
- Ku ki, M. S. (1379 [2000 A.D]). *Ta'amolāti dar andišeḥ-ye siāsi-e Emām Xomeyni*. Tehr n Markaz-e Asn & Enqel h Esl mi.
- Latifi, M., & Zohuri n Abutor h M. (1394 [2015 A.D]). Tadvin-e olgu-ye arzy b e s h -ye farhang-e 'omumi dar d a gh h . *Tahqiqāt-e farhangi-e Irān*, 8(1), 47-70
- Musavi Xomeyni, R. (1376 [1997 A.D]). *Kitāb albai'I*, (Vol. 2). Tehr n Mu'aseseh-ye Tanzim va Na -e s -e Em m Xomeyni.
- Musavi Xomeyni, R. (1378 [1999 A.D]). *Tafsir-e sureh-ye Hamd*. Tehr n Mu'aseseh-ye Tanzim va Na -e s -e Em m Xomeyni.
- Musavi Xomeyni, R. (1383 [2004 A.D]). *Sahifeh-ye sajadieh*. Tehr n Mu'aseseh-ye Tanzim va Na -e s -e Em m Xomeyni.
- Musavi Xomeyni, R. (1388 [2009 A.D]). *Velāyat-e faqih*. Tehr n Mu'aseseh-ye Tanzim va Na -e s -e Em m Xomeyni.
- Rez yi, M. (1380 [2001 A.D]). *Sarmašqi barāye siāsat gozāri va barnāmeḥ rizi-e farhangi*. Tehr n Melik .
- S leh Amiri, S.R. (1387 [2008 A.D]). *Mabāni-e siāsat gozāri va barnāmeḥ rizi-e farhangi*. Tehr n Markaz-e Tahqiq -e Majma'-e Ta xis-e Maslahat-e Nez m.
- a'ati, ., & 'Azimi Taraqdari, M. (1393 [2014 A.D]). Elz m -e r hordi-e Jomhuri-e Esl mi dar modiriāt-e bohr e jang-e narm. *Tahqiqāt-e Farhangi-e Irān*, 7 (3), 127-148.
- aifi, S. 'A. R., & F zā, 'A. (1391 [2012 A.D]). V k i-e si sa goz ri-e farhangi dar Jomhuri-e Esl mi-e Ir n sih va r hord h *Majles va Rāhbord*. 19 (69), 55-90.
- Vahid, M. (1388 [2009 A.D]). *Siāsat gozāri-e 'omumi*. Tehr n Bony & Hoquqi-e Miz n

Vahid, M. (1389 [2010 A.D]). *Siāsat gozāri va farhang dar Irān-e emruz*. Tehr n B z

X iMohamadi, Y. (1386 [2007 A.D]). *Dulat va si sāgozari-e farhangi az didg h-e Em m Xomeyni. Motāle'āt-e Ma'refati dar Dānešgāh-e Eslāmi*, (34-35) 4-38.



IJCR

11

Abstract